

واکاوی تحلیلی مفهوم انتظار در اشعار مهدوی «حسن قفطان» و «ملاحسن آرانی (داعی)»*

مجید محمدی^۱

بهناز نظری^۲

فرشته جمشیدی^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل مهدویت که در اندیشه شاعران تجلی پیدا کرده، مسئله انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که با تفسیرها و برداشت‌های گوناگون در میان منتظران آن حضرت مطرح است. شیخ حسن قفطان (۱۱۹۹) از شاعران مشهور نجف و «ملاحسن آرانی (داعی)» از محبای اهل بیت علیهم السلام و از شاعران ادب عربی و فارسی به خوبی توانسته‌اند از عهده این رسالت بزرگ برآیند و به توصیف سیمای حضرت مهدی علیه السلام بپردازند. در این پژوهش با استناد به شواهدی از اشعار این دو شاعر، به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که اشعار مهدویت در غالب فراملی، با فرهنگ مذهبی گره خورده‌اند. چنان‌که آداب انتظار (انسان منتظر، گریه، مناجات و دعا و امید به فرج)، برپایی عدل، پرچمدار ولایت الهی، از بین بردن ظلم و ستم، مدینه فاضله مهدوی و... در شعر حسن قفطان، به عنوان عوامل وحدت‌ساز مسلمانان رخ می‌نماید. بدین منظور ابتدا دیوان این دو شاعر را مورد کاوش قرار داده و سپس تمام مضامین موجود و در رابطه با مفهوم مهدویت از لحاظ محتوایی و فرمی را بررسی کرده و این درحالی است که این مفهوم در شعر ملاحسن آرانی، با توصیف‌های دقیق جزئیات و عناصر زیبایی‌شناسی قالبی هنری یافته است.

* تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۲۳

۱. استادپار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) (mohammadimajid44@gmail.com).

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران (behnaznazari0832@gmail.com).

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران (fereshtehjamshidi1992@gmail.com).

مقدمه

مهدویت، به عنوان یکی از زمینه‌های مهم و اساسی حوزه ادبیات دینی است که به شکلی خاص در شعرشاعران ملتزم به خاندان بزرگوار اهل بیت علیهم‌السلام متجلی شده است. در این میان ادبیات متعهد فارسی و عربی جولانگاه هنرنمایی شاعرانی بوده است که به وسیله شعر و ادب اقدام به دفاع از عقاید برحق اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام مهدی علیه‌السلام و انتشار معارف دینی خود درباره ایشان در عصر غیبت نموده‌اند و شاعران گاه به صورت کنایی و نمادین و گاه به شکل روشن و آشکار، از امام مهدی علیه‌السلام به عنوان منجی و موعود یاد کرده‌اند. (خسروی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲). «مهدویت» به عنوان یکی از باورهای اساسی شیعه، زیباترین تجلی خود را در عرصه ادبیات متعهد و به ویژه در شعر یافته است؛ امری که شکل‌گیری آثار گرانبهایی را در این وادی دنبال داشته است؛ «بیشتر اشعاری که در این زمینه سروده شده‌اند، غالباً پیرامون محورهای اساسی هم چون اثبات امام مهدی علیه‌السلام فرزند امام حسن عسکری علیه‌السلام به عنوان دوازدهمین پیشوای مسلمین، بشارت به ظهور آن حضرت پس از غیبتی طولانی، ابراز امیدواری به آینده‌ای درخشان همراه با برقراری حکومت عدل جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام، مدح و وصف آن حضرت، ولادت و نسبت وی، فلسفه غیبت، طول عمر امام، انتظار فرج و امید به آینده‌ای تابناک، علائم ظهور و موضوعاتی از این دست می‌چرخد.» (عبداللهی، ۱۳۷۷: ۲۷۹-۲۸۰) «در باور اهل ایمان و برابر سخن پاکان، اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بی‌گمان کانون تمامی خوبی‌ها و پاکی‌ها هستند و خیر و راستی را جز از در آنان خواستن از زلال صافی به سراب و باطل رفتن است. بر این اساس از آغاز ظهور اسلام تا این زمان مؤمنانی که در خویش مایه‌ای از ذوق یافته‌اند که آن را به پای کرامت پاکان ریخته و از این رهگذر خود و آثار خود را با جاودانگی پیوند زده‌اند. «شیخ قفطان» و «ملاحسن آرانی» معروف و متخلص به «داعی» (۱۱۹۳-۱۳۱۰ق) این شوریده پارسا با هر مایه‌ای که از دانش شعر و هر پایه‌ای که از ذوق شاعری و لطافت طبع داشته، عمری را در خدمت نشر فضائل اهل بیت علیهم‌السلام سپری کرده است» (داعی آرانی، ۱۳۸۳: ۵-۶). قصاید و اشعار مذهبی این دو، از یک سوی بیانگر عشق و ارادت آنها نسبت به مهدی موعود علیه‌السلام و از سوی دیگر نشان‌دهنده آگاهی دینی بالا آنها نسبت به مفهوم مهدویت است. از آن جا که مسئله مهدویت و انتظار قائم، جزء

بنیادی‌ترین و پویاترین مسائل عقیدتی - سیاسی به‌ویژه در مکتب شیعه است، به همین دلیل شاعران معتقد و متعهد شیعی هر کدام به نوبه خود و طبق نیاز و اقتضائات زمان خود به نحوی درباره آن سخن گفته‌اند. در این جستار برآنیم تا به بررسی اشعار شاعران فوق‌الذکر، آن را از جوانب گوناگون مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. نگارندگان در این جستار به دنبال آنند تا با نگاهی تطبیقی و به روش توصیفی و تحلیلی و به لحاظ فرمی و محتوایی، چکامه‌های زیبا از این دو شاعر را مورد بررسی و کاوش قرار داده و جنبه‌های زیباشناسانه آن را استخراج و با نمونه‌های پیش آورده شده تطبیق دهند و از این طریق با استمداد از ساختارهای زیباشناسانه و تصاویر تشبیهی به تجسم و بازآفرینی افکار و اندیشه‌ها در قالب کلمات پردازند.

ذکر این نکته واجب است که به سبب عدم دسترسی به دیوان شیخ قفطان، کلیه شواهد این جستار از موسوعه *أدب الولا* اثر محمد الکاظمی البرهانی که در آن به جمع‌آوری اشعار شاعران شیعی پرداخته شده است و مورد تحلیل قرار گرفته شده است.

بیان مسئله

«حسن قفطان»^۱ و «ملاحسن آرنی»^۲ (داعی) از شاعران برجسته شیعی معاصر به شمار

۱. شیخ حسن بن علی السعدی الرباحی، متخلص به شیخ قفطان در سال ۱۱۹۹ در شهر نجف به دنیا آمد. شیخ مقدمات فقه را در نزد شیخ جعفر آموخت تا جایی که در آن به نبوغ رسیده و در این علم از سرآمدان عصر خود شد. در اواخر نزد این عالم بزرگ تقریب یافته و در شمار برترین شاگردان وی قرار می‌گیرد. وی در کنار تحصیل، به شغل صحافی کتاب مشغول شده و پسران و نوادگانش نیز این شغل را از وی به ارث بردند. با این تفاوت که او در فقه و علم لغت برایشان برتری داشت و این خود عاملی بود که تصحیح کتاب «الجواهر» به وی و پسرش محوّل شود. سیدصدر شیخ را در مقدمه فقیهان عصر خود قرار می‌دهد و در کنار آن وی را از سرآمدان ادب و شعر برمی‌شمرد. وی شخصی فاضل و از محبتان اهل بیت علیهم‌السلام است؛ به طوری که غالب اشعار او را مدح و رثای این بزرگان تشکیل داده است. شیخ در سال ۱۲۷۹ در حالی که بیش از هفتاد سال داشت، دیده از جهان بریست و در جوار حرم مطهر امام علی علیه‌السلام به خاک سپرده شد (www.sibtayn.com).

۲. ملاحسن، متخلص به «داعی» فرزند یعقوب به سال (۱۱۹۳ق) در آران متولد شد. او فردی زاهد و واراسته، نیکوکار و مصلح و اهل ریاضت بوده و در نهایت قناعت و فقر می‌زیسته است. وی از طبعی روان و ذوقی سرشار برخوردار بوده و به تعلیم و تدریس، تبلیغ و موعظه اشتغال داشته و در منطقه کاشان، آران و روستاهای اطراف به ارشاد و وعظ می‌پرداخته است. در آن زمان که کتب حدیث و اخلاق کمتر در اختیار مردم بوده به کار استنساخ قرآن و کتاب‌هایی نظیر «زاد المعاد»، «حیة القلوب» و «عین الحیاة» اقدام نموده و آن کتاب‌ها را در دسترس دیگران قرار داده است. از وی آثاری هم چون کتاب‌های «ریاض الفنون»، «نصاب الصبیان» و دیوان شعری که حاوی پنجاه هزار بیت می‌باشد یاد شده که متأسفانه مفقود گردیده و از میان آنها فقط دیوان قصائد به جا مانده است. داعی تا واپسین لحظات عمر خود با وجود کهولت سن و از کار افتادگی اعضا، با چشم طبیعی به خواندن و نوشتن اشتغال داشته و چشمان وی دچار هیچ عارضه‌ای نشده است. وقتی سبب این امر را از او پرسیدند در جواب می‌گوید: من در مسجد ملا شکرالله آران

می آیند که با استمداد از طبع لطیف شاعرانه، التزام خویش را بر ساحت حضرت مهدی علیه السلام با سرودن اشعاری نغز و پرمحتوا ابراز داشته اند. تجلی رویکردهای سیاسی و اجتماعی چون آداب انتظار و چگونگی شیوع و غنی سازی فرهنگ آن در جامعه منتظر در قالب اشعار و بهره گیری از آیات، احادیث و حکمت های روایی، اشعار ایشان را غنی و پرمایه ساخته است.

محور اساسی این بحث، دستیابی به اصلی ترین مؤلفه های انتظار پرداخته شده در شعر هر دو شاعر حول شخصیت والای حضرت است. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش است، اصلی ترین مؤلفه های انتظار در شعر دو شاعر کدام است؟ لذا این جستار، با مطالعه توصیفی - تحلیلی و رویکردی تطبیقی به بررسی آن دسته از چکامه های زیبای از دو شاعر که مضامین یاد شده در آن تجلی بیشتری دارند، می پردازد.

۱. پرسش های تحقیق

۱. وجوه اشتراک و افتراق مضامین شعری این دو شاعر در چه زمینه هایی است؟
۲. برجسته مضامین مهدوی در اشعار این دو شاعر کدامند؟
۳. مهدویت، در اشعار این دو شاعر دارای چه جایگاهی است؟

۲. ضرورت، اهمیت و هدف

یکی از اصلی ترین دلایل ضرورت نگارش این جستار بررسی نگاه شاعران فارسی زبان و عرب زبان به موضوع مهدویت و اهمیت آن و نیز معرفی «شیخ حسن قفطان» و ملاحسن آرائی معروف و متخلص به «داعی» به عنوان دو شاعر متعهد است. از آن جا که شعراز برترین وسایل جهت تأثیر بر دیگران و نشر معارف محسوب می شود، پرداختن به اشعاری از این دست گامی بزرگ جهت ترویج فرهنگ مهدویت است.

مشغول نماز و دعا بودم که لحظه ای خواب مرا در ربود و حالتی بین خواب و بیداری به من دست داد. در آن حالت متوجه شدم که کسی از سوی حضرت ولی عصر علیه السلام سرمه در چشمانم کشید، چون به خود آمدم کسی را ندیدم و متوجه شدم که بینایی چشمانم بیشتر شده و از آن به بعد هرگز درد یا ناراحتی در چشمانم احساس نکردم. سرانجام ملاحسن در سال ۱۳۱۰ ق پس از حدود یک قرن حیات توأم با خدمتگزاری در آران بدرود حیات گفت و در همان شهر دفن شد (داعی آرائی، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۷).

ادبیات تطبیقی یکی از دانش‌های تأثیرگذار در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... است. با توجه به اهمیت چنین موضوعی، تلاش شده است تا ضمن معرفی این دو شاعر عربی و فارسی، به یکی از محورهای اصلی شعرشان، که اصل انتظار در سروده‌های مهدوی است، پردازیم. هدف اساسی این پژوهش، نیز آن است که به بررسی و تحلیل مضامین شعری این دو شاعر در مدح و منقبت و وجوه اشتراک و افتراق این مضامین پردازیم.

۳. روش تحقیق و چارچوب نظری

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع، اسناد و ابزار کتابخانه‌ای و هم‌چنین فضای مجازی، صورت گرفته است. البته، چارچوب نظری، پژوهش بر بنیاد مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی استوار است. هرچند که در برخی موارد تفاوت‌ها و تشابهات شعری دو شاعر از باب توارد خاطر و تفاوت‌های محیطی، تفسیر و تحلیل شده است.

۴. پیشینه تحقیق

در باب پیشینه پژوهش، لازم است که اشاره شود؛ تاکنون پژوهشی مستقل با عنوان فوق صورت نگرفته است. اما برخی نویسندگان به بعضی زوایای این موضوع اشاره کرده‌اند. در خصوص بررسی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر، آثار مختلفی به صورت کتاب و مقاله در زبان‌های عربی و فارسی انجام شده است از جمله کتاب *سیمای امام مهدی موعود در آیین شعر فارسی*، (مجاهدی، ۱۳۸۴) نویسنده در این کتاب به بررسی ابعاد مختلف شعر مهدوی در زبان فارسی پرداخته است. *سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی* (عبداللهی، ۱۳۸۴) نویسنده با بهره‌گیری از منابع روایی، تفسیری، تاریخی، لغوی و اعتقادی، ابتدا بشارت‌هایی را که در کتب پیشینیان و اهل سنت درباره مصلح جهانی آمده، ذکر کرده و سپس به نقل برخی از قصایدی که در مورد امام عصر علیه السلام سروده شده پرداخته است. مقاله «بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی (مطالعه مورد پژوهانه: اشعار سیدرضا موسوی هندی، شیخ حسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین پور)» (خسروی و همکاران: ۱۳۹۲) که به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به شواهدی از اشعار این شاعران، به بررسی تطبیقی سیمای امام

مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی پرداخته شده است. حال در این پژوهش برآنیم تا مضامین مشترک مهدویت را در شعر شیخ قفطان و ملاحسن آرانی معروف و متخلص به «داعی» مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

پردازش تحلیلی موضوع (مضامین مهدوی مشترک در شعر «حسن قفطان» و «ملاحسن آرانی (داعی)»)

اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان از جمله مسائلی است که از دیرباز مورد توجه عموم جوامع بشری بوده است به طوری که در همه ادیان بر ظهور مصلحی جهانی که پایه ریز دنیایی مملو از عدالت و خالی از جور و ستم است، تأکید شده است و هریک با عبارت‌ها و الفاظ مختلف، به گونه‌ای به ظهور این منجی اشاره کرده‌اند. «در زمانه‌ای که تمام راه‌های بشر مدعی عقلانیت و بی‌نیاز از دین به بن‌بست رسیده است و بحران‌های معرفتی، اخلاقی، روانی و مانند آن رو به افزایش است. جا دارد آموزه‌های اعتقادی آرمانی و اصیل حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام که در وحی ریشه دارد به بشر امروز که تشنه معارف ناب الهی است، به منزله نسخه‌ای شفابخش عرضه گردد.» (زمانی محبوب، ۱۳۹۴: ۱۳۲). این امر را می‌توان مصداق آیه شریفه دانست:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾ (انعام: ۴۲)

ما به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت برخاستند) آنها را با شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم شاید بیدار شوند و در برابر حق خضوع کنند و تسلیم گردند!

در ادامه به مهم‌ترین مضامین پرداخته شده حول مفهوم انتظار در شعر هر دو شاعر می‌پردازیم و وجوه تشابه و تباین آن را از منظر ادبیات تطبیقی مورد بازبینی و کاوش قرار می‌دهیم.

۱. آداب انتظار و بایسته‌های آن در حوزه شعر متعهد

ادبیات دینی؛ گونه‌ای خاص از ادبیات است که به فراخور محتوای والای خود، سبک‌ها و اسالیب متفاوتی را می‌طلبد؛ ادبیات متعهد که زیرمجموعه ادبیات دینی است، آن اصول و قواعدی است که رسالت خود را در راستای تبیین مقولات ارزشمند

نهضت دینی و سجایای اخلاقی اهل بیت علیهم السلام جستجو می‌کند و متعهدانه حول محور مسائل زیربنایی آن در راستای الگوآفرینی ادبی حرکت می‌کند. یکی از مهم‌ترین مسائل مهدویت که در اندیشه شاعران به صورت زنده و کارآمد تجلّی پیدا کرده، مسئله انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. از بنیادی‌ترین اصول ادبیات متعهد، مسئله مهدویت به ویژه اصل انتظار است که خود به تنهایی از حساس‌ترین و کارآمدترین مسائل سیاسی عصر معاصر است. از این رو؛ شاعران معتقد و متعهد شیعی هرکدام به نوبه خود و طبق نیاز و اقتضائات زمان خود به نحوی درباره آن سخن گفته‌اند. بر این اساس مهدویت به عنوان رکنی اساسی در مبانی اعتقادی شیعه، از دیرباز جلوه‌ای خاص در اشعار شاعران متعهد به اهل بیت علیهم السلام داشته است. از سوی دیگر؛ اساس شعر مهدوی به عنوان بارقه‌ای از ادبیات ملتزم در شعر شاعران متعهد جلوه‌ای تمام داشته است. تا جایی که این اصل، در ادبیات دینی مکتب جانبخش اسلام، مفهومی عمیق، پرارزش و مقدّس دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را در زمره زیباترین جلوه‌های عبودیت حق تعالی به شمار آورد. مفهومی که به صورت‌های مختلف به آن اشاره شده است به تعبیر «حقیقت انتظار، اتصال به مولا و محبوب است و آثار و برکات سازنده آن در فکر و اندیشه، گرایش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی نمایان می‌شود» (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انتظار فرج را در شمار برترین اعمال در نزد خداوند سبحان می‌داند:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛

برترین اعمال امت من، انتظار رسیدن فرج از خدای عزیز بزرگ است (هاشم العمیدی، بی تا: ۵۵۷).

این عبارت گرچه دارای صورتی خبری است؛ اما در پس معنای ظاهری آن، نوعی معنای تحریض نهفته است که به وسیله آن مؤمنان و عاشقان آن حضرت را به انتظار فرج امام موعود فرا می‌خواند. (امین، ۱۳۸۸: ۱۴۸-۱۵۴) اعتقاد به ظهور، در مکتب شیعه، انسان منتظر را ملزم به تبعیت و اطاعت مطلق از ولایت آخرین حلقه امامت می‌گرداند؛ امری که می‌توان آن را ذیل این آیه شریفه قرار داد:

﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ (نساء: ۵۹)؛

اطاعت کنید خدا را!! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوا الامر (اوصیای پیامبر) را... (نجفی لیواری و محمدنیا، ۱۳۹۱: ۷۲).

عصر غیبت در فرهنگ شیعی، با عنوان عصر انتظار شناخته می‌شود. این عصر به دلیل شرایط استثنایی ناشی از عدم دسترسی مردم به رهبری معصوم، دشواری‌ها، اقتضائات و الزامات خاص خود را دارد. (صمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). از این رو، می‌توان چنین اذعان داشت که آموزه‌های انتظار از حیث وجودی، فرصتی را جهت تعالی روح بوجود می‌آورد و این قابلیت را داراست که میان منتظر و این اصل نوعی رابطه دو سویه برقرار کند. درحقیقت، هنر انتظار با ترسیم چشم‌اندازی از وجود متعالی امام غایب، بستری مناسب برای گسترش فضیلت در جامعه منتظر مهدوی فراهم می‌کند. در کنار رسالت منتظران در دوران غیبت علاوه بر اطاعت از امام، به آدابی چند اشاره شده است که با توجه به اهمیت و انعکاس آن در مبحث شیعه‌شناسی به ویژه جنبه‌های کارکردی و سازوکارهای آن، نیاز به دقت نظر و واکاوی‌های خاص در این زمینه دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

انتظار^۳

انتظار از دیدگاه لغوی، به معنای چشم به راه بودن، و نوعی امید به آینده داشتن است. واژه «انتظار» و مشتقات آن در لغت به معنای چشم دوختن، با تأمل نگاه کردن، نظاره‌گر بودن، توقع امری را داشتن و مراقب بودن آمده است. انتظار به معنای امیدوار بودن، چشم به راه بودن، چشم داشتن، لحظه شماری کردن و مترصد بودن وقوع یک امر و یا دستیابی به یک خواسته قلبی است (صمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). افزون بر آن انتظار را می‌توان امری فطری به شمار آورد، از این منظر همه انسان‌ها به نحوی منتظر تلقی می‌شوند. در اعتقادات شیعه، انتظار امیدی به آینده‌ای نویدبخش و سعادت‌آفرین است که در آن به رهبری امامی بزرگوار، جهان از مفاسد و بدبختی‌ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح، آسایش و امنیت را در پیش گیرد (قائمی، بی‌تا: ۱۳). انتظار از دیدگاه پیامبر ﷺ و ائمه اطهار از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. ایشان از مفهوم انتظار با برترین عبارت یاد می‌کنند:

انتظار از جمله مقدمات پدیده جهانی ظهور است. اعتقاد به ظهور در مکتب شیعه، منتظر را ملزم به تبعیت و اطاعت مطلق از ولایت آخرین حلقه امامت می‌گرداند (نجفی لیواری و محمدنیا، ۱۳۹۱: ۷۲).

امام علی علیه السلام فرمودند:

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ انْتِظَارُ
الْفَرَجِ (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۱۲۳)

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید؛ زیرا خوشایندترین اعمال نزد
خداوند انتظار فرج است.

امام صادق علیه السلام در حدیثی آنان را که در زمان غیبت امام، منتظر ظهور اویند و در
هنگام ظهورش فرمانبردار او، اولیای خدا می داند؛ همان ها که نه ترسی برایشان هست و
نه اندوهگین می شوند:

طُوبَى لِسَيِّعَةِ قَائِمِنَا، الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ
اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (همان: ۱۵۰)؛

مردم با همه اختلاف های شان در عقیده و مذهب، دریافته اند که برای انسانیت در
روی زمین، روز موعودی خواهد بود که با فرارسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ
رسالت های آسمانی تحقق می یابد و مسیر آن - که در طول تاریخ، پراز فراز و نشیب
و پرتگاه بوده است - به دنبال رنجی بسیار، همواری و استواری لازم را می یابد (صدر،
۱۳۹۸: ۱۳).

انتظار نخستین مفهوم مشترک در جهان بینی مهدوی دو شاعر است. این مهم در
نگرش هر دو شاعر با نوعی حزن آلود به سبب طول زمان غیبت و شکایت از آن همراه
است؛ قطفان، در ابیات زیر دردمندانه از این که دیر زمانی است از سوی دشمنان دین بر
قامت آن لباس تحریف پوشانده شده است داد سخن سری می دهد و از فرزند امام حسن
عسکری علیه السلام به خاطر این انتظار شکایت می کند که ما دردمندانه دست به دعا برداشته و
آرزوی فرج را دارد. وی هم چنین آرزومند هست که رخسار مبارک آن حضرت را زیارت
کنند. به باور آنها امام بر اعمالی که آشکارا و در نمان انجام می دهیم، آگاه است و شاهد
بر رفتار و گفتار ماست. از این رو، توسل و التجا از جمله مضامین به کار رفته در شعر هر
دو شاعر است که بالاترین بسامد را داراست:

أَمْوَلَايَ يَا بَنَ الْعَسْكَرِيِّ إِلَى مَتَى عَلَى الدِّينِ مِنْ أَعْدَاكِ أَسْمَالِ أَطْمَارِ
وَأَصْوَاتِنَا تَشْكُو إِلَيْكَ بِحَاجَةٍ بِحَلْبَةِ دَاعٍ أَوْ نُؤَدِبُهُ أَشْعَارِ
(قطفان، ۲۰۱۱: ۱۷۵-۱۷۶)

۱. مولای من، ای فرزند امام عسکری علیه السلام، تا به کی برتن دین از سوی دشمنانت لباس.... است؛ ۲. و صداهای ما از سرنیاز در قالب دعایی یا ندبه و اشعاری (به خاطر طول غیبت) به توشکایت می‌کند.

شاعر در مصراع اول دین را به انسان تشبیه کرده است سپس مشبه به (انسان) را حذف کرده و «پوشیدن لباس» را به عنوان یکی از لوازم آن ذکر کرده است؛ از این رو استعاره شکل گرفته از نوع مکنیه و تشخیص^۱ است که شاعر با روشی نمادین با به کارگیری استعاره به خلق تصاویر هنری دست زده است وی با استمداد از استعاره که معمولاً کارکرد آن برای خیال‌انگیزی و خلق تصاویر شاعرانه است، به تصویر می‌کشد. از آن جا که شاعر عواطف و تجربیات خویش را که کاملاً شخصی و فردی است، در شعرش بیان می‌کند و تمام تلاش او این است که تجربیات کاملاً شخصی را با حفظ کیفیت ویژه و خاص آن به دیگران منتقل کند. افزون بر آن، استفاده از اسلوب ندا در این ابیات، اشاره به زنده و حاضر بودن امام دارد؛ چرا که شاعر با احساس نزدیکی که در خود نسبت به امام می‌بیند، دست به شکایت زده و دردمندانه انتظار فرج او را می‌کشد. در واقع، انتظار چنان با روح و جان شاعر عجین شده است که گویی امام را نزدیک و در برابر خود می‌بیند؛ از سوی دیگر، شاعر طولانی شدن زمان غیبت و شدت شوق مردم نسبت به فرج امام عصر علیه السلام را در قالب استعمالی مجازی به تصویر می‌کشد که در نگاه وی این امر چنان اثری را در مردم برجای نهاده که نه خود مردم بلکه صداهای آنان هم لب به شکایت از طولانی شدن غیبت نور خداوندی در برابر دیدگان مردم گشوده است. افزون بر این، شاعر با استعمال واژه «حاجه» برای نکتہ تأکید دارد که بشر ذاتاً به ظهور منجی اعتقاد داشته و این امر برگرفته از فطرت انسان و براساس نیازی است که در خود می‌بیند.

آرانی نیز در ابیات مذکور، به دلدادگی و عشق وصف ناپذیر خود به امام زمان علیه السلام توجه نشان می‌دهند. هرچند با شکوه و گلایه از روزگار و موانع موجود در آن به زبان اعتراض نیز روی آورده‌اند، اما باز هم چشم به راه بودن را لذت بخش می‌دانند:

۱. شاعر در این صنعت، صفت‌ها و کردارهای انسانی را به موجوداتی نسبت داده و با این کار تخیلی، به آن‌ها رنگ، حس، پویایی و حرکت بخشیده است (میرصادقی، ۱۳۷۸: ۷۵).

ای آفتاب شرع و دین تا چند داری انزوا
 بیرون خرام از خلوتت ما را ز هجران کن رها
 در انتظارت تا به کی نوشیم خون در جای می
 ماییم بیماران حی جوییم از وصلت دوا
 از پرده بیرون نه قدم ببرام گردون زن علم
 تسخیرکن دیرو حرم ای خسرو ملک بقا
 از چهره برقع باز کن اندر ظهور آغاز کن

پا در رکاب ناز کن آفاق را کن با صفا

(داعی آرائی، ۱۳۸۳: ۱۷۴)

آرائی هم چنین در جای دیگر، از حوادث زمان خود لب به شکوه می‌گشاید و در واقع، به دنبال ترسیم نمایی روشن از عواطف انسان و رنج و دردهای جامعه را بیان می‌دارد. وی حسرت و اندوه درونی‌اش را فریاد می‌زند و درد دل‌های خویش را تنها به محرم اسرار یعنی حضرت ولی عصر علیه السلام می‌سپارد و این‌گونه می‌سراید:
 ای شه‌ریار تاجدار ای رحمت پروردگار

ما را برآر از انتظار از یک نگاه جان فزا

افسرده خاطر عالمی هر کس گرفتار غمی

جویند از تو مرهمی ای درگهت دار الشفا

(همان: ۱۷۵)

بر پایه آنچه در مبحث انتظار بدان پرداخته شد، مقوله انتظار ظهور به عنوان یک آموزه دینی و مذهبی باید به گونه‌ای طرح و تفسیر شود که موجبات تحرک، پویایی در جهت تکامل معنوی، و نشر حقایق دینی و عمل به آموزه‌های قرآنی را در میان جامعه منتظر ایجاد کند و مردم را به سوی زندگی همراه با معنویت سوق دهد. در جایی دیگر آرائی، از فراق انتظار دست به دعا برمی‌دارد و برای ظهور امام عصر علیه السلام می‌سراید:

یارب ظهور پرتو دین تا بود عیان

تا آفتاب کشور ایمان بود منیر

محفوظ دار از همه آفات آن وجود

کان هیکل وجود صغیر است و هم کبیر

نزدیک کن ظهور وی از فضل سرمدی

زان مقدم شریف فرح بخش یا قدی

(داعی آرائی، ۱۳۸۳: ۱۷۴)

در ابیات فوق شاعران با تلفیقی عاطفی و پربسامد پیرامون اصل انتظار، رغبت و اشتیاق خود را در برابرین مفهوم بردوش افعالی افکنده که با بافتی هنرمندانه اوج احساسات خود را صراحتاً بر زبان آورده و آرزو می‌کنند که مهدی موعود علیه السلام بیاید و با نابودی ظلم و ستم، تحوّل عمیقی را در کائنات پدید آورد.

۲. برپایی عدل

«از جمله مهم‌ترین اقدامات امام عصر علیه السلام پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد الهی است. ایشان بساط ظلم و جور را در هم خواهد پیچید و دنیایی آکنده از عدالت، راستی و درستی، محبت و دوستی و معرفت را محقق خواهد ساخت. عدالت، مهم‌ترین شعار مهدویت است و همه مردم چشم در انتظار ظهور موعودی به سر می‌برند تا ظلم و ستم و طغیانگری را ریشه کن کند و عدل و عدالت را حکم فرما نماید. امام رضا علیه السلام از برپایی ترازوی عدل آن حضرت یاد می‌کند و می‌فرماید:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بُنُورَ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ
أَحَدًا (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۳۲۲)؛

آن هنگام که [مهدی علیه السلام] ظهور نماید زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و ترازوی عدالت را در میان مردم قرار می‌دهد و هیچ کس به دیگری ستم نمی‌کند.

همواره در میان عموم انسان‌ها اعتقاد بر این بوده است که با ظهور منجی آخرالزمان، مدینه‌ای فاضله شکل می‌گیرد که اثری از کوچک‌ترین ستمی در آن دیده نمی‌شود و همه چیز در آن جا در ترازوی عدل قرار می‌گیرد. در حقیقت شیرین‌ترین میوه انقلاب عالم‌گیر امام مهدی علیه السلام، عدالت است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجورًا؛

زمین را آکنده از قسط و عدل می‌سازد، همان‌گونه که از ظلم و جور پرگشته باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۵).

بر اساس اهداف حکومت دینی که رشد و شکوفایی همه استعداد های انسان و تشکیل جامعه انسانی بر پایه عدل است و قلمرو حکومت که هستی است و نه محدوده شصت یا هفتاد سال عمر انسان در دنیا، اضطراب آدمی به امام و حجتی که به این مجموعه آگاه باشد و باید و نبایدهای راه بلند او را تا قرب خدا بشناسد، شکل می گیرد (پور سید آقایی، ۱۳۸۷: ۸). این همان ملاک حقیقی اصل ولایت مداری در جامعه منتظر می باشد.

قطفان، در اندیشه خویش چنین می سراید که دنیا با آمدن آن حضرت شاداب می گردد و گل ها شکوفه می دهند:

تعودُ به الدُّنیا شَباباً نعیماً لها زهُوُّ أزهارٍ وِیانعُ أثمارٍ
ویملاًها بالعدل من بعد جورها ویکلاًها من موبقاتٍ وأخطارٍ
(قطفان، ۲۰۱۱: ۱۷۹-۱۸۰)

۱. دنیا با او نعمت های جوانی خود را باز می یابد (دنیا شاداب می شود) گل هایش شکوفه می دهد و میوه هایش می رسد؛ ۲. آن را پس از جور و ستم از عدل پر می کند و آن را از خطرات و موبقات^۱ خالی می کند.

در جای دیگر، از حوادث زمان خود لب به شکوه می گشاید و در واقع، به دنبال ترسیم نمایی روشن از عواطف انسان و رنج و دردهای جامعه چنین می سراید:

یا صاحب الزمان بشتاب و بکن ظهور تا چند احتجاب که از دست شد فقیر
شایع شد است ظلم و تفرعن میام خلق غالب بر اهل خیر شده فرقه شیریر
شیران ضعیف و زار به کنجی خزیده اند خیل سگان گرفته مکان در مقام شیر
ای ظل کردگار برون آی از نقاب بنگر که روزگار ز ظلم است همچون قیر
ظاهر شو و ز عدل بده رونق جهان کن پای در رکاب ظفر ائیهامیر
برکن ز ریشه نخل حیات مخالفان مرنیک را بشیر و بدان را بشونذیر
(داعی آرنی، ۱۳۸۳: ۱۷۳)

در حقیقت، بابتی که آرنی به عنوان شعر دینی در دیوان خود گشوده است، نقش برجسته ای در آگاهی و تهذیب افکار جامعه داشته است. روح حماسه، شجاعت و گاه شکوه و فریاد علیه باطل و دعوت به بیداری بر شعرو حاکم است.

۱. و موبقات عبارتند از: ۱. شرک به خدا؛ ۲. سحر؛ ۳. قتل نفس محترمه؛ ۴. خوردن ربا و مال یتیم؛ ۵. فرار از جنگ در حال جهاد؛ ۶. تهمت زنا به زن های پاکدامن.

۳. پرچمداری ولایت الهی

ولایت مداری در عصر غیبت، از جمله شاخصه‌های اصلی انتظار محسوب می‌شود. افزون بر آن ولایت مداری و پرچمداری از ولایت الهی، از اصول مهم در حفظ و صیانت از ارزش‌های اسلامی در برابر قدرت‌های زیاده‌خواه و استکباری منطقه و نیز از عوامل زمینه‌ساز ظهور محسوب می‌شود. این اصل در بسیاری از آیات و روایات به صراحت بدان پرداخته شده است. از جمله آن، در حدیثی گرانسنگ از امام رضا علیه السلام نقل شده که می‌فرمایند:

کَمَالُ الدِّينِ وَلايَتُنَا وَالتَّوْبَةُ مِنَ عَدُوِّنَا (مجلسی، بی تا: ج ۲۷، ۵۸).^۱

مطهری در این باره گفته است:

فلسفه تولی و تبری مشخص کردن موضع و جهت خود در رابطه با مؤمنان و غیرمؤمنان و اعلام موضع در این صف بندی است (مطهری، ۱۳۴۹: ۱۴۵).

در میان حافظان دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مهدی موعود به عنوان آخرین سلسله اوصیاء معصوم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، روزی از کعبه ندای توحید سر خواهد داد و پرچم رهایی انسان را از زیر ظلم و ستم سالاران، برافراشته و آدم و عالم را از بیداد ستمکاران نجات خواهد داد. در فرهنگ مهدویت از وجود «پرچم» به عنوان نشانه ظهور یاد شده و درباره آن روایاتی چند از معصومین علیهم السلام نقل شده است که پرچم امام عصر علیه السلام هنگام ظهور، همان پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ آن‌گاه که امام پرچم خویش را به اهتزاز در آورد بین مشرق و مغرب برای او روشن خواهد شد «اِذَا هَزَّ رَايَتَهُ اَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ» (تونه‌ای، بی تا: ۵۳).
لَقَدْ عَقَدَ اللهُ اللّٰوَا وَاللّٰوَا لَهُ فَمَامُ مُطَاعًا بَيْنَ نُهْيٍ وَاِنْذَارِ (قطفان، ۲۰۱۱: ۱۸۰)

خداوند لوا و ولایت را با او در نظر گرفت (به او متعلق کرد) و او هم مطیعانه در میان امر و نهی و هشدار برخاست.

کفر و نفاق و جور و کین بگرفته سرتاسر زمین

یک ره به سوی ما بین فرسوده‌ایم از ابتلا

۱. کمال دین در ولایت ما و بیزاری جستن از دشمن ماست.

سطح زمین معمور کن آفاق را پرنور کن

اعدای دین مقهور کن ای آفتاب پر ضیا

(داعی آرانی، ۱۳۸۳: ۱۷۳)

این امر بیانگر آن است که شاعران به جنبه معنوی و الهی وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند و این به جهت آن است که غیبت آن حضرت همانند ظهورش پربرکت، نجات بخش است و مؤثر است، زیرا وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردم نیست و امام چنان‌که وظیفه راهنمایی صوری مردم را به عهده دارد هم چنان ولایت و رهبری باطنی اعمال را عهده‌دار است و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می‌دهد.

۴. از بین بردن ظلم و جهل

از جمله روایاتی که مصداق والای علم اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آید، آیه:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران: ۷)؛

اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد بعضی از آیه‌ها محکمانند، این آیه‌ها ام‌الکتابند و بعضی آیه‌ها متشابهاتند. اما آنها که در دل شان میل به باطل است به سبب فتنه جویی و میل به تأویل از متشابهات پیروی می‌کنند، در حالی که تأویل آن را جز خدای نمی‌داند و آنان که قدم در دانش استوار کرده‌اند. می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم همه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان پند نمی‌گیرند.

که در این جا عبارت «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» مصداق بارز اهل بیت علیهم السلام و از مهم‌ترین صفاتی است که همواره نصب‌العین شاعران شیعه بوده است.

آرانی با تأسی از این مفهوم جلوه‌ای تازه به شعر خود بخشیده است. وی معتقد است علم در غیبت حضرت قائم علیه السلام ضایع گشته و علم حقیقی تنها با ظهور حضرت مهدی علیه السلام به منصه ظهور می‌رسد:

علم و عمل ضایع شده ظلم و ستم شایع شده

بنگر چها واقع شده ای خسرو ای فرمانروا

ای صاحب عهد و زمن منظور فضل ذوالمنن

از عدل و داد خویشتن پرکن جهان را برملا

(داعی آرانی، ۱۳۸۳: ۱۷۳)

خداوند به وسیله ظهور مهدی علیه السلام زمین را پراز عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد؛ همان طور که در دعای ندبه آمده است:

أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنتَظِرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعَوَجِ أَيْنَ الْمُتَرْجِي لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَالْغُدُوانِ (مفاتیح الجنان، ۱۳۸۰: ۱۱۳-۱۱۴).

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که:

خداوند زمین را به دست قائم علیه السلام از هر ستمی پاک و از هر ظلمی پاکیزه سازد آن گاه که او قیام کند، ترازوی عدل را در میان مردم نهد و بدین گونه هیچ کس نتواند به دیگری ستمی کند (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۳۷۲).

امام صادق علیه السلام نیز درباره استقرار عدل و دادگری امام عصر علیه السلام و در زمان قیام و ظهور و حکومت شان این چنین بیان می دارند:

پس آگاه باشید! به خدا قسم که قائم علیه السلام عدالت را به درون خانه های مردم وارد می سازد. چنان که سرما و گرما وارد خانه های آنها می شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۶۲).

از حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است که:

علامه ظهوری کثره المرح والمرج والفتن...؛

نشانه آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها و آشوب ها است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۳۲۰).

قطفان با بهره گیری از این حدیث، این مفهوم را در ابیاتی چند، چنین بیان می دارد:

مُمِيتُ يَا حَيَاءُ الْهَى كُلُّ بَدْعَةٍ وَسُوطُ عَذَابٍ قَاصِمٌ كُلُّ جَبَّارِ
أَفَى كُلِّ يَوْمٍ نَرْتَجِي لَكَ وَثْبَةً تُحْتَجِّجُ عَنْ هَامَاتِنَا سَبَّةَ الْعَارِ
سَجَى لَيْلُنَا جَوْرًا وَلَمْ يَعْتَرِضْ بِهِ مِنْ الْعَدْلِ فَجْرٌ مُسْتَبَدُّ يَاسْفَارِ
(قطفان، ۲۰۱۱: ۱۸۱-۱۷۶)

۱. با احیای الهی میراننده تمام بدعت ها و با تازیانه خود عذاب دهنده هر ستمگرو جباری است؛ ۲. آیا هر روز از تو امید؛ ۳. عیب و ننگ جسم و جان ما را فرا گرفته شب ما را جور و ستم گرفته از سر عدل فجر روشنی بر آن عرضه نشده.

«ظهور مهدی موعود غلبه حق بر باطل در کل جهان است، هر قوم راجع به آینده جهان نظری دارند، آینده جهان در نظر اسلام، فرج عمومی و تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام است» (قریشی، ۱۳۷۱: ۷۵۲).

شاعران از ظلم و جور زمانه به محضر ولی عصر^{علیه السلام} شکوه می کنند؛ از ظلم هایی که در حق مسلمانان شده و هتک حرمت هایی که به شیعیان می شود سخن می رانند. آنان مظلومیت شیعه را یادآور می شوند و امام را دعوت به قیام می کنند. در این میان شاعران عناصر زیباشناسی سخن جهت القای بهترین پیام خود به مخاطب بهره برده است. ظاهر شده بس فتنه و آشوب درین دهر

عالم زستم پرشده جوراست به طغیان
تو و احباب ندارند پناهی

فریاد رسی از تو و درواهمه خلقان
قامت پی تعمیر اقالیم برافرا

کافاق جهان است بسان دل ویران
لب دوخته عشاق ز هرگونه شکایت

معشوق توئی رحم کن لی خسرو خوبان
(داعی آرنی، ۱۳۸۳: ۱۷۷)

۵. مدینه فاضله مهدوی

تاریخ زندگی بشری گواه آن است که انسان ها همواره در تکاپوی زندگی آرام و بدون دغدغه بوده است. آرمان گرایی والاترین جلوه تجلی روح آدمی به دور از خواسته های نفسانی است که او را از رکود و ایستایی باز داشته و مجاب به حرکت و پویایی می کند. مهدویت نگاه روشن و امیدوارانه به بشریت است. جامعه ای که آرمانش رسیدن به مدینه فاضله مهدوی است، جامعه ای امیدوار است و در پرتو دین، به حرکت و نشاط و پویایی، امید دارد و از یأس و نومیدی در امان خواهد بود (بالادستیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲). از جمله مهم ترین اقدامات امام عصر^{علیه السلام} پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد الهی است. ایشان بساط ظلم و جور را در هم خواهد پیچید و دنیایی آکنده از

عدالت، راستی و درستی، محبت و دوستی و معرفت را محقق خواهد ساخت. برپایی عدالت، مهم‌ترین مؤلفه قیام مهدویت است. همه مردم - به ویژه ستم‌دیدگان و مظلومان جهان - چشم در انتظار ظهور موعودی به سر می‌برند تا ظلم و ستم و طغیانگری را ریشه کن کند و عدل و عدالت را حکم فرما نماید (محمدی، ۱۳۹۶: ۷۰). «ستون استوار مدینه فاضله مهدوی، برقراری امنیت همه جانبه بر معنای ایمان در جامعه است، به گونه‌ای که جان و مال و حیثیت افراد از تجاوز در امان باشد» (زمانی محجوب، ۱۳۹۴: ۱۳۶). ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ روایت نموده که می‌فرماید:

یتنعم امتی فی زمن المهدی علیه السلام نعمة لم یتنعموا قبلها قط یرسل السماء علیهم مدراراً و لا تدع الارض شیئاً من بناتها الا اخرجته؛
امت من در زمان مهدی چنان در فراخی معیشت به سربرند که هیچ‌گاه پیش از آن ندیده باشند آسمان پی در پی برکات خود را برای آنان فرومی‌ریزد و زمین آنچه دارد بیرون می‌دهد (صدوق، ۱۳۸۶: ۳۴۶).

بدین سان مهدویت، بهترین عامل برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و بسترسازی برای ترویج فضائل در افراد جامعه است (بالا دستیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲). از این رو، می‌توان چنین اذعان داشت که مبحث انتظار به نوبه خود ارتباط محکمی با نگرش آرمانی جامعه منتظر پیرامون اصل ظهور دارد. عصر غیبت به دلیل دارا بودن شرایطی شیوع ابهامات و شبهات در نبود امام در جامعه از اهمیت به سزایی برخوردار است. لذا، جامعه‌ای که به عدالت مهدوی دل بسته است و آرمانش تحقق عدالت در همه جهان و برچیده شدن ظلم و ستم از همه زمین است، حرکتی عدالت خواهانه را در پیش می‌گیرد و برای آن، زمینه سازی می‌کند:

ویخضبُ أقطارَ البلاد بنائیل لهامن ندها لا یوابل أمطار
ویحنی علینا دولة الدین غضة تضیءُ بأنوارٍ وتزهو بـأنوار
(قطفان، ۲۰۱۱: ۱۸۰)

۱. سرزمین‌ها از بارانی از بخشش او و نه از باریدن بارانی سرسبز می‌شود؛ ۲. و دولت دین ذلت و نقص را از ما برده و با درخشش و شکفتن نور روشن می‌شود.
آرانی معتقد است که اجرای عدالت جزء اساسی‌ترین اهداف و انگیزه‌های الهی انبیاء و اولیاء بوده است و هم چنین اجرای آن در حکومت عدالت گستر حضرت قائم علیه السلام

نیز به عنوان اصل بنیادین مطرح است. وی برای القای بهترین مضمون از استعاره بهره گرفته است. به این منظور که لفظ «شاهنشاه» را به عنوان واژه مستعار منه آورده است؛ از این رو استعاره مصرّحه است:

آن شهنشاه که همنام پیمبر آمد به نگین آیدش از شرق تا مغرب
پرکند روی زمین را همه از عدل و زداد ستم و جور شود از همه عالم هارب
مهدی قائم بود آن شاهنشاه شیعه و دوست به دیدار عزیزش راغب
(داعی آرائی، ۱۳۸۳: ۲۳۵)

در جای دیگر، از حوادث زمان خود لب به شکوه می‌گشاید و به دنبال ترسیم‌نمایی روشن از عواطف انسان و رنج و دردهای وی در نبود حضرت چنین می‌سراید:

درده ندا که حجت حق آشکار شد باطل زهوق یافته حق گشته جای گیر
آن تیغ شعله بار برون آراز غلاف کز آتشش امان طلبد گنبد ائیر
تعجیل کن بگیر ز خصم انتقام دوست کاسان شود ز یمن وجود توهر عسیر
(داعی آرائی، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۴)

شاعر در این ابیات با بهره‌گیری هرچه تمام تر از استعاره بهره برده است؛ که در این جا منظور از حجت حق حضرت مهدی علیه السلام که سرمنشأ خیر و برکت است و منظور از باطل جریان‌های فتنه در جامعه است و مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاعر در بیت پایانی خواستار تعجیل در فرج حضرت مهدی علیه السلام است که در این بیت با هنرنمایی هرچه تمام تر بدان پرداخته است. با دقت نظر در ابیات فوق، مفهوم اقامه دولت دین و درخشش و شکفتن نور هدایت، بیشتر خودنمایی می‌کند. شاعر، در حقیقت قیام الهی حضرت را پایان بخش ظلم و برطرف کننده گرفتاری‌ها از مردم معرفی می‌کند و ایشان را انسان کامل محسوب کرده و به طور ضمنی؛ به این نکته اشاره می‌کند که حضرت قائم علیه السلام در قیام عدل الهی از سرآمدان زمان خود است.

۶. همراهی خضر و موسی علیه السلام

این داستان قرآنی است که در در سوره کهف آمده است. نقل است حضرت موسی علیه السلام پس از آن که نعمت‌های فراوانی به او داد، گمان برد خداوند داناتر از او را خلق نکرده است، به همین دلیل خداوند او را به دیدار حضرت خضر علیه السلام فرستاد. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۶۰). به این صورت که حضرت موسی علیه السلام پس از دیدن حضرت

خضر علیه السلام تقاضای همراهی و شاگردی می‌کند اما خضر به جهت این‌که موسی تحمل همراهی با وی و صبر بر کارهایی که حکمت‌شان را نمی‌داند، ندارد با این درخواست مخالفت می‌کند. در نهایت با این شرط که موسی علیه السلام از هیچ چیزی پرسش نکند، همراهی این دو اتفاق می‌افتد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۴۸۶). برخی مفسران بر اساس روایات آن شخص را حضرت خضر معرفی کرده‌اند و برخی با این نظریه مخالف بوده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۲۵۰).

له الخضر حاج حاجب وابنُ مریم وزیرٌ ومیـکال له حارس داری
(موسوعة الشعریه؛ قطفان، ۲۰۱۱: ۱۸۱)

خضر حاجب او و عیسی علیه السلام وزیر او و میکائیل نگهبان خانه اش.

از چهره برقع باز کن اندر ظهور آغاز کن

پا در رکاب ناز کن آفاق را کن با صفا

ای لشکر خیل ملک مُلکت زگردون تا سمک

آید مسیحا از فلک تا جان کند بهرت فدا

(داعی آرنی، ۱۳۸۳: ۱۷۴-۱۷۵)

هر دو شاعریه این مفهوم در اشعار خود، پرداخته و آن را تبیین کرده‌اند، وجود چنین انتظاری، مایه تداوم و سرزندگی حیات فردی و اجتماعی است، این چشم‌انتظاری مقدس و ارزشمند است که به نوبه خود مستلزم بصیرت توأم با معرفت و پیوند قلبی خواهد بود و در پایان این‌که آرنی در ابیات خود عشق و مؤدت خود را نسبت به حضرت قائم علیه السلام در نهایت زیبایی و ایجاز با قلمی زیبا به تصویر می‌کشد، در حالی که تعبیر قطفان از تعابیر ساده‌تری برای القای معنا بهره گرفته است.

نتیجه‌گیری

با بررسی و تعمق در دیوان «حسن قطفان» و «ملاحسن آرنی (داعی)» دریافتیم که: اشعار دو شاعر متعهد به لحاظ محتوای قوی و اسلوبی گیرا در زمره بهترین اشعار در حوزه مهدویات است که در بیت بیت آن با آدله‌های قوی و اسلوبی حکیمانه، مباحث مهدویت چون دعا برای ظهور، پرچمداری ولایت الهی، از بین بردن ظلم و جهل، برپایی عدل و مدینه فاضله مهدوی و مباحثی از این دست را در محتوای خود گنجانده است.

اما مطرح بودن اصل انتظار از آن حیث است که بشر در طول تاریخ خود، مکتب‌ها و حکومت‌های زیادی را تجربه کرده است، ولی در هیچ یک از آنها گمشده خود را که پرچمدار عدالت و صلح و امنیت است، پیدا نکرده و پیوسته در ناکامی و شکست بوده است. امروز بشریت به دنبال اندیشه سیاسی دیگری است که ارزش‌های انسانی را در آن بیابد و آن اندیشه سیاسی همان محقق شدن حکومت مهدوی است. علائق و عواطف هر دو شاعر نسبت به حضرت مهدی علیه السلام مدینه فاضله‌ای را به تصویر می‌کشد که خط مشی آن بر اساس رشد و تعالی انسان در صورت نبود ولی در جامعه تعریف می‌شود. این در حالی است که «حسن قفطان» بین رفتار و گفتار و عملکرد زمامداران در تربیت و سازندگی جامعه رابطه دوسویه برقرار می‌کند. بدین منظور اگر زمامداران به دستورات مؤلفه‌های اسلامی مبنی بر اصل انتظار را در جامعه منتظر پیاده کنند و به سیره آن حضرت در زمامداری عمل نمایند در آن صورت خود به خود سبب ساز مدینه فاضله شده و در سایه آن زمینه برای رشد و تعالی فراهم می‌گردد و در پایان این‌که شاعر برای ملموس نشان دادن امور انتزاعی و دور از ذهن، از صنایع بیانی چون تشبیه و استعاره و تصاویر ذهنی کمک گرفته است و در حقیقت؛ تشبیه مرجع حوزه محاکاتی و گستره‌ی تخیل شاعران را نشان می‌دهد.

اما مهم‌ترین دستاورد پژوهش حاضر این است که با بررسی شاخصه‌های ولایت‌مداری مبتنی بر مفاهیم مهدوی تأثیر به‌سزایی در ادبیات شیعه داشته است؛ چراکه برای هر مفهوم از مفاهیم اخلاقی، توانستیم نمونه‌ای از اشعار گزیده شده از دو شاعر شیعه، یا آیه‌ای از قرآن بیاوریم. این بدان معنا است که مباحث اعتقادی و مذهبی امت در راستای آموزش‌های اخلاقی قرار می‌گیرند.

منابع

قرآن مجید

مفاتیح الجنان

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۶)، *کمال الدین و تمام النعمة*، ترجمه: منصور پهلوان، قم: انتشارات مسجد مقدّس جمکران.
۲. امین، مصطفی (۱۳۸۸)، *البلاغة الواضحة علی جارم*، ترجمه: محمد علی خالدیان، تهران: نشر احسان.
۳. بالادستیان، محمد امین؛ حائری پور، محمد مهدی؛ یوسفیان، مهدی (۱۳۹۳)، *نگین آفرینش*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، پنجاه و نهم.
۴. پورسیدآقای، سید مسعود (۱۳۸۷)، «مدیریت امام زمان علیه السلام»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال دوم، شماره هشتم.
۵. تونه ای، مجتبی (بی تا)، *فرهنگ الفبایی مهدویت پیرامون حضرت مهدی علیه السلام*، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه / نشر مشهور.
۶. خسروی، کبری و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی (مطالعه مورد پژوهانه: اشعار سیدرضا موسوی هندی، شیخ حسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین پور)»، *کاوش نامه ادبیات تطبیقی*، سال سوم، شماره ۱۱.
۷. زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۴)، «جایگاه عدالت و پیشرفت در مدینه فاضله حضرت مهدی علیه السلام»، *فصل نامه آئین حکمت*، سال هفتم، شماره ۲۳.
۸. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه (۱۳۹۶): <http://www.jamaran.ir>
۹. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۰)، *منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر*، قم: دفتر صافی.
۱۰. صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۸ق)، *امام مهدی علیه السلام حماسه ای از نور*، ترجمه و تصحیح: کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، انتشارات مؤسسه الامام المهدی علیه السلام.
۱۱. صمدی، قنبر علی (۱۳۸۸)، «آموزه انتظار و زمینه سازی ظهور»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال سوم، شماره یازدهم.

۱۲. عبداللهی، حسن (۱۳۸۴)، *سیمای امام مهدی* علیه السلام در آئینه شعر عربی، قم: انتشارات مسجد مقدّس جمکران.
۱۳. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصّدر.
۱۴. قائمی، علی (بی تا)، *نگاهی به مسئله انتظار*، قم: انتشارات هجرت.
۱۵. قریشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، *خاندان وحی*، بی جا: دارالکتب الاسلامیه، دوم.
۱۶. مجاهدی، محمود علی (۱۳۸۴)، *سیمای امام مهدی موعود در آئینه شعر فارسی*، قم: مسجد جمکران، دوّم.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴)، *بحار الانوار*، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۱۸. محمدی، مجید؛ جمشیدی، فرشته (۱۳۹۶)، «تجلی مهدویت در ادبیات عاشورایی (مورد پژوهانه: مجموعه ادب الطّف)»، *فصل نامه عصر آدینه*، سال دهم، شماره بیست و دوم.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۸ق)، *قیام و انقلاب مهدی* علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، بی جا: بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری / انتشارات صدرا، ششم.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، اول.
۲۱. میرصادقی، میمنت (۱۳۷۶)، *واژه نامه های هنر شاعری*، تهران: مهناز، دوم.
۲۲. نجفی لیواری، مریم، محمدنیا، گالشکلامی (۱۳۹۱)، «واکاوی شاخصه های الگوی خانواده منتظر»، *معرفت*، سال ۲۱.
۲۳. نوروزی، رضا علی؛ نجفی، محمد؛ هاشمی، فاطمه (۱۳۹۰)، «موانع و آفت های انتظار»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۱۷.
۲۴. هاشم العمیدی، سیدثامر (بی تا)، *در انتظار قفنوس*، ترجمه و تحقیق: مهدی علیزاده: <http://www.ghadeer.org>